در محضر بزرگان

اگر می خواهی ساخته شوی

آیت ا... خوشوقت درباره تاثیر اطرافیان بد بر اخلاق انسان می فرمایند:
«در دعایی از امام سجّاد(ع) آمده است: خدایا! کاری کن من با آدم‌های بد، انس پیدا نکنم. از آن‌ها وحشت کنم و این وحشت باعث شود از آن‌ها دوری بجویم؛ چون آدم‌های شِرار و آدم‌های گنه‌کار کسانی هستند که اگر به طرف آن‌ها بروی، حالت گنه‌کاری آن‌ها به تو هم منتقل می‌شود. بنابراین فرموده‌اند نه تنها با آن‌ها معاشرت نکن، بلکه با اهل تقوا معاشرت کن که روحیه ترس از گناه، از آن‌ها به شما منتقل شود و شما هم اهل تقوا شوی. اما اگر انسان با بدها معاشرت کرد، مقدمات بدی از آن انسان‌های بد به او نفوذ می کند و مثل همان‌ها بد می‌شود. این یکی از لوازم ساختن خود است. اگر می‌خواهی ساخته شوی، دوستی با شخص بد نباید باشد. با بدها نباش. به آن‌ها بگو: «سلام علیکم و رحمة ا...، خداحافظ شما.» اما اگر به خانه‌اش بروی و بنشینی با هم بگویید و بخندید، بدی او ضمن این‌ها می‌آید و تو هم مثل او می‌شوی.»

سایت ثقلین

فتو شعر

حکایت

کیسه خود را با چه پر می‌کنید؟

روزی از روزها پادشاهی سه وزیرش را فراخواند و از آن‌ها خواست کاری را که می‌گوید انجام دهند. از هر وزیر خواست کیسه‌ای بردارد و به باغ قصر برود و کیسه‌ها را برای پادشاه با میوه‌ها و محصولات تازه پر کند. همچنین از آن‌ها خواست که در این کار از هیچ کسی کمکی نگیرند و آن را به شخص دیگری واگذار نکنند. وزیران از دستور شاه تعجب کردند و هر کدام کیسه‌ای برداشتند و به سوی باغ به راه افتادند. وزیر اول که به دنبال راضی کردن شاه بود، بهترین میوه‌ها و با کیفیت‌ترین محصولات را جمع‌آوری و پیوسته بهترین را انتخاب می کرد تا این که کیسه‌اش پر شد. وزیر دوم با خود فکر می‌کرد شاه این میوه‌ها را برای خود نمی‌خواهد و احتیاجی به آن‌ها ندارد و درون کیسه را نیز نگاه نمی کند. پس با تنبلی و اهمال شروع به جمع آوری کرد و خوب و بد را از هم جدا نکرد، تا این که کیسه را با میوه‌ها پر کرد. وزیر سوم که اعتقاد داشت شاه به محتویات این کیسه اصلا اهمیتی نمی‌دهد، کیسه را با علف و برگ درخت و خاشاک پر کرد. روز بعد پادشاه دستور داد که وزیران را به همراه کیسه‌هایی که پر کرده‌اند، بیاورند. وقتی وزیران نزد شاه آمدند، پادشاه به سربازانش دستور داد سه وزیر را دستگیر و هر کدام را جداگانه با کیسه‌اش به مدت سه ماه زندانی کنند! سایت یکی بود

انگلیش آموزی

نویسنده: میترا تاتاری، تصویرساز: سعید مرادی

حواست به اونایی باشه که وقتی موفق میشی برات دست نمی زنن.

اندکی صبر

صبح ها لبخند بزن

دستی تکان بده
به عشق سلامی دوباره کن
لبخند بزن
صبح آغاز ماجراست...

عرفان یزدانی

دنیا به روایت تصویر

گتی ایمیج- مردی که فرزندش را از مسیر سیلاب عبور می دهد، آلبانی

تلگراف- ماهی گیران سنتی میانمار

گاردین- شرکت کنندگان مجمع جهانی کمیک، ژاپن

دور دنیا

مجسمه ابوالهول ۹۰ ساله!

آسوشیتدپرس- به تازگی عکسی منتشر شده است که گروهی را در حال حمل سر یک مجسمه باستانی مصری نشان می دهد. برخلاف شایعه هایی که درباره این عکس در اینترنت منتشر شده است و خبر از کشف گنجینه جدیدی از تمدن مصر باستان می دهد، این سر مجسمه به جای هزاران سال، فقط ۹۰ سال عمر دارد و به جای صحراهای مصر در سواحل کالیفرنیا کشف شده است! به گفته باستان شناسانی که در تپه های شنی در سواحل مرکزی کالیفرنیا کار می کنند، این مجسمه گچی با ریخته گری ساخته شده است و بخشی از دکور فیلم معروف «ده فرمان» ساخته «سیسیل ب. دومیل» در ۹۰ سال پیش است! این مجسمه ۱۵۰ کیلویی همان زمان در محل فیلم برداری رها شده بود و قرار است پس از مرمت برای تماشای مردم در موزه قرار گیرد.

دست روباتی برای یک «گیمر»

گینس- همیشه اعضای بدن روباتی را در فیلم های تخیلی و بازی های رایانه ای دیده ایم. ولی این بار یکی از این اعضای بدن در دنیای واقعی به کمک مردم عادی آمده است. «دانیل ملویل» که بازی کننده حرفه ای بازی های رایانه ای است (ویدئو گیمر) اکنون صاحب یک دست روباتی شده که سال ها در بازی های رایانه ای آن را دیده و با آن بازی کرده است. دانیل می گوید: «من با استفاده از این عضو به مردم نشان دادم که این دستگاهی برای زیبایی نیست، بلکه عضوی کاربردی است که من در زندگی واقعی ام استفاده می کنم. این یک تغییر بزرگ در زندگی من است.» مراحل ساخت این بازو از طراحی تا پرینت سه بعدی و ساخت آن یک ماه طول کشید و اکنون در کتاب رکوردهای گینس ثبت شده است.

شعر طنز

حالا چه کنیم؟

خوردیم به پرتغال، حالا چه کنیم؟ / با لشکری از رئال حالا چه کنیم؟
گویند گروه ما گروه مرگ است / با این همه ضدحال حالا چه کنیم؟
ما طارمی پر از حواشی داریم / با راموس ایده آل حالا چه کنیم؟
صد شکر که روسیه ندارد کافه! / با منقل بی زغال حالا چه کنیم؟
می گفت کمال ما «مراکش سخت است» / با این سخن کمال! حالا چه کنیم؟
شاید که رونالدو شد شدیدا مصدوم / با فرض همین محال! حالا چه کنیم؟
لطفا بدهید با پیامک امروز / پاسخ به همین سوال: «حالا چه کنیم؟»

امیرحسین خوش حال

مسابقه چی شده؟

اضافه کاری در حوضچه یخ!

سلام. مسابقه دوست داشتنی و پرطرفدار «چی شده؟» این بار با سرد شدن هوا به مناطق سردسیر سفر کرده است تا ببینیم آیا نمک تون در این هوا، هنوز شوره یا یخ زده! شما باید برای این عکس یک شرح حال طنز و بامزه بنویسید و تا ساعت ۲۴ امشب (یک شنبه) فرصت دارید داستان آن را برای ما بفرستید. لطفا در ابتدای هر پیامک، نام ستون «چی شده؟» و در آخر پیامک هم نام و نام خانوادگی تون رو حتما بنویسید. بنابراین پیامک ارسالی باید این جوری باشه: «چی شده؟ وقتی ... (نام و نام خانوادگی)». بامزه‌ترین و خلاقانه ترین جمله های فرستاده شده، روز سه شنبه به اسم خود نویسنده ها چاپ می شه. شماره پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ هم آماده دریافت پیام های شماست. همیشه خوش باشید. و اما چند مثال:
* وقتی اون قدر گرم درس خوندن میشی که یادت میره آب دریاچه نزدیک خونه ات جزر و مد می کنه!
* وقتی بابات میگه: مُردی و موندی باید دانشگاه قبول بشی!
* وقتی به خانومت میگی میری ماموریت کاری ولی با دوستات سر از قطب جنوب درمیاری!

زندگی سلام

هموطنان زلزله زده در آن شرایط سخت زندگی، هنوز نگران تیم ملی کشورمان هستند و مراسم قرعه کشی جام جهانی را پیگیری می کنند.

Like Comment

* این عبارتِ «فلان کی بودی تو» رو اولین بار مولانا اختراع کرده، اون جا که میگه: شاگرد که بودی که چنین استادی!
* چه جوری اینترنتی خرید می‌کنین؟ من تا دست فروشنده رو فشار ندم و پهش نگم «داداش، دوست دارم از من سود نگیری» دلم آروم نمی شه!
* آقا شما همین الان برو به مادرت بگو، هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ من با ۷۰۰ تا مسافر روی میز ناهار خوری بوده نیست، اگه نیومد روی همون میز بهت نشون بده و بگه چشم های کورت رو وا کنی می بینی!
* زندگی دانشجویی خیلی چیزها به من یاد داد. مثلا فهمیدم چای هم کپک می‌زنه یا می‌شه تو کاسه نسکافه خورد. یا مثلا می شه با یه وعده غذا در روز زنده موند!
* یه‌جور توجدول‌مندلیف‌به‌بعضی‌گازهامیگن‌گازهای‌نجیب،انگار‌بقیه‌گازهابدذاتن!
* اینایی که از اسکی برمی گردن و چوب اسکی شون رو از پنجره ماشین می ندازن بیرون، خوبه منم میرم فوتبال موقع برگشت کفش ام رو از پنجره ماشین بندازم بیرون؟!

Like Comment

بریده ها

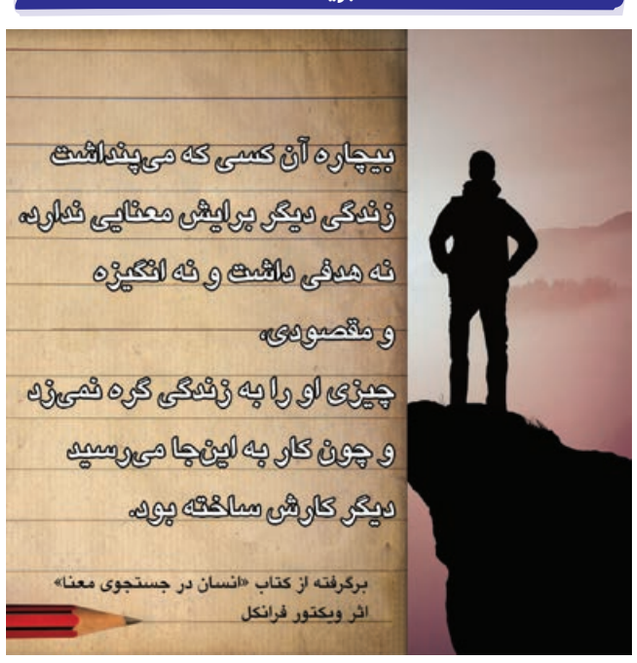

سوتی سرا

بیماری مرموز!

یه بار صبح می خواستم از خونه برم بیرون، مثل همیشه خواستم کرم بزنم به صورتم. چند نقطه کرم این ور و اون ور صورتم و روی پیشونی ام زدم و بعد رفتم لباس پوشیدم و زدم بیرون. تو ایستگاه اتوبوس منتظر بودم که یهو یه خانومی با ترس بهم گفت: «ببخشید خانم...»
با مهربونی گفتم: «بله، امر بفرمایین.»
خانومه با یک حالتی پرسید: «دخترم شما بیماری؟» جا خوردم و با ناراحتی گفتم: «نخیر خانم!»
خانومه با خجالت و یواشکی گفت: «پس کرمت رو درست نمالیدی روی صورتت!»
واااای... یعنی افتضاح شد. داغون شدم. نقطه های کرم روی صورتم رو پخش نکرده بودم. آبروم رفت و از خجالت آب شدم!

سوتی های بامزه تون رو در تلگرام به شماره ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ بفرستید.

دی روزنامه

حفظ روحیه با زور

بعد از مدت ها کشمکش و جنگ اعصاب، سرانجام قرعه ایران در جام جهانی مشخص شد که ای کاش نمی شد! یعنی آن قدر که ما برای این قرعه کشی حرص خوردیم و جوش زدیم که تو چه گروهی بیفتم و چه کسی قرعه مان را بردارد و مجری برنامه که باشد و چی پوشیده باشد و صفحه اینستاگرام برگزار کنندگان مراسم عمومی باشد و شخصی نباشد، اگر برای درس خواندن و موفقیت توی کارمان این قدر دلهره داشتیم، الان دست کم سه تا شرکت ویندوز و تاکسی آنلاین و ماست بندی مکانیزه با هم داشتیم. آمدن لوییس فیگو به ایران برای اجرای مراسم قرعه کشی جام جهانی هم قوز بالای قوز بود. همان طور که همه برای قرعه ایران دلهره داشتیم، از یک طرف هم نگران این بودیم که نکند لوییس فیگو دلواپس این باشد که در برنامه فردوسی پور با حسین کعبی روبه رو شود و بار دیگر خاطرات آن بازی کذایی برایش زنده شود و تا ماه ها رد میخ های کف کفش کعبی را روی صورتش حس کند. خوب شد فردوسی پور از در شوخی وارد شد و فیگو آرام گرفت، وگرنه با این قرعه که با پرتغال هم گروه شدیم بعید نبود جناب فیگو وسط برنامه بلند شود و سراسیمه به سمت اردوی تیم ملی شان بدود تا به بازیکنان تیم هشدار بدهد که علاوه بر ساق بند، جلیقه ضدضربه و حتی کلاه خود هم هنگام بازی با ما به همراه داشته باشند. این یکی واقعا به خیر گذشت.
به هر حال کاری که نباید می شد، شد و توی گروهی افتادیم که همه کارشناسان و کارنشناسان و حتی آن هایی که فرق توپ فوتبال با هندوانه را نمی دانند و در عمرشان حتی یک عکس با شلوارک ورزشی و حتی شلوارک مامان دوز ندارند هم به این موضوع اذعان کردند که گروه مان گروه مرگ است. حالا مرگِ مرگ که نه، ولی چیزی در حد کما یا درد بی درمان یا نهایت اش گروه مرگ مغزی! اگرچه ما از این چیزها نمی ترسیم و عین خیال مان نیست، ولی باز هم ته دل مان یک خرده دلشوره داریم که نکند با اختلاف گل کم توی گروه مان دوم بشیم و بخوریم به تیم اول آن گروه! در نهایت باید به یاد داشته باشیم که هر بازی یا سه امتیاز دارد یا یک امتیاز یا اصلا ندارد. در نتیجه هر مسابقه فوتبال یا برد است یا باخت یا مساوی. (یاد استاد جواد خیابانی افتادیم و داغ دل مان تازه شد!)

علیرضا کاردار

تا حالا دقت کردین

ما و شما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

* اگه گفتین اون چیه که از سخن بزرگان، تست هوش، پند، طنز و مسابقه گرفته تا دنیا به روایت تصویر و فال حافظ را در خود جای داده است؟ خوب معلومه «زندگی سلامه».
* آق کمال؛ تو هم نظرت را درباره قرار گرفتن ایران در گروه سخت جام جهانی روسیه بگو؟ آیا ایران از مرحله گروهی خویش صعود خواهد کرد یا نه؟!

آق کمال: والا دانش فوتبالی مو که خیلی زیاد نیست و فقط در حد تشخیص رونالدو و رودگولیت با علی پروین و جواد زرینچه مدنم، ولی با همی قد اطلاعات امیدوارم که هم تیم ما خوب بازی کنه، هم او تیما بد بازی کنن!

* چه خوب است تصویر طنز سرمربی مرد تیم‌ملی کبدی تایلند که در مسابقات بین‌المللی گرگان با روسری حاضر شده بود به‌عنوان سوژه مسابقه «چی شده؟» قرار گیرد!

ما و شما: اون تصویر قدیمی شد و همه باهاش شوخی کردن. براتون یه عکس جدید و جالب تر داریم امروز!

* خدا را شکر که آق کمال عزیزمان لقب زیبای «خواننده زندگی سلام» را به این حقیر عطا فرمود!

آق کمال: چوب کاری نفرمایین! همه خواننده ها تاج سر ماین به خصوص علیرضا افتخاری!

* همیشه فردایی نیست تا زندگی فرصت دیگه ای برای جبران این غفلت‌ها به ما بده. کسانی رو که دوست دارین، همیشه کنار خودتون داشته باشین و بهشون بگین چقدر به اونا علاقه و نیاز دارین.

مسعود مجنونپور